

برای جهانی که
در آن خبری از تندرستی ها نیست

پیاده شو با هم بریم

۴



طرح: نوجوانه



۸

تغییر به هر قیمتی



۷

چشم شیشه‌ای



۶

گفت‌وگویی صمیمانه
با فاطمه افشاریان



۳

معرفی



۲

نیمه پر لیوان

#نه_به_زندگی

زهرا قربانی
دبیر نوجوانه



موتور سوار با سرعت از کنارم رد شد. یک بوق زد و رفت. لابد با خودش فکر می‌کرد این یک بوق به جایی لطمه نمی‌زند. حالا من هم از یک طرف اعتراضی به ثبت رسانده‌ام و از

طرفی کیفش را برده‌ام با این بوق بوق کردن پشت چراغ قرمز و میان این همه شلوغی. ولی آدم برای همین یک بوق زدن هم یک جایی باید جواب بدهد. منظورم دادگاه نیست. ولی این یک بوق هم ثبت می‌شود. توی کارنامه اعمال آدم. حالا حسابش را بکنید کسانی که این روزها هر جور دلشان می‌خواهد، در کوچه و خیابان می‌گردند

بی‌آن‌که به اثر وضعی رفتارشان فکر کنند. کسانی که با چاقو و قمه حرف‌شان را می‌زنند. کسانی که با شعار زندگی، زندگی مردم را سلب می‌کنند؛ حواس‌شان چقدر هست به این ماجرا؟! تلخ است که جلوی چشم، دوست را بزنند، هم محله‌ای‌ات را زخمی کنند، هم شهری‌ات را به قتل برسانند، یک انسان بی‌گناه را از پا در بیاورند و تو سکوت کنی. بعد ببینی از در و دیوار هشتنگ و کمپین و شعار می‌دهند که کاری به آنها که خشونت را آورده‌اند وسط زندگی‌مان نداشته باشید.

باورت نمی‌شود. اما این واقعیت دارد. یک عده این روزها شعارشان نه به زندگی است! نمی‌دانم جزو کدام دسته‌ای. اگر برای این اتفاقات دست می‌زنی که هیچ مخاطب من نیستی، اگر برایت فرقی نمی‌کند هم که... ولی اگر فقط گیر کرده‌ای وسط این همه هیاهو، حالا وقتش شده از این مارپیچ سکوت خارج شوی. لااقل تکلیفت با خودت روشن باشد. اگر زندگی را دوست داریم. اگر به آینده این کشور اهمیت می‌دهیم. باید نه را به خشونت گفت.